

احکام لباس در عبادات از دیدگاه امامیه و شافعیه

سمیرا علی مهر^۱، عبدالصمد علی آبادی^۲

دانشجوی کارشناس ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب

دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان واحد تهران مرکزی

چکیده

شارع برای بندگان خود عباداتی مثل نماز و حج تشریح و برای آنها شروطی وضع کرده است که عمل به این شروط واجب است. در برخی از موارد صحت آن عبادت متوقف بر انجام آن شروط است. از جمله این شروط، لباس است که در نماز و حج برای آن احکامی جعل شده است که رعایت آن‌ها ضروری است.

این نوشتار قصد دارد تا با رجوع به منابع امامیه و شافعیه، احکام لباس در نماز و حج از منظر این دو مذهب را استخراج کند و نشان دهد که این مذاهب در اکثر احکام لباس با هم اتفاق نظر دارند.

کلید واژه: احکام، لباس، عبادات، امامیه، شافعیه.

مقدمه

در اسلام عباداتی مثل نماز، روزه، خمس، زکات و حج تشریح شده است. هر یک از این عبادات دارای شروطی هستند که صحت عبادات متوقف بر آن است. از جمله این عبادات نماز و حج است که دارای احکامی است و یکی از این احکام، احکام لباس است که تحت شروط صحت نماز و حج از آن بحث می شود. برخی از شروط، شرط وجوب واجب است مثل داخل شدن وقت زوال، که موجب واجب شدن نماز ظهر می شود و یا استطاعت که شرط وجوب حج است و تا زمانی که شخص مستطیع نباشد حج بر وی واجب نمی شود. و برخی دیگر از شرایط، شرط صحت هستند یعنی عبادت در صورتی صحیح است که مکلف به این شرط عمل کند مثل شرط لباس در نماز و حج. یعنی لباس نمازگزار و حج گزار باید شرایطی داشته باشد تا نماز و حج مکلف صحیح باشد. در واقع لباس نمازگزار و حج گزار باید شرایط ویژه ای چه از نظر نوع پوشش، رنگ، جنس و ... داشته باشد.

این تحقیق قصد دارد تا به احکام لباس در عبادات از دیدگاه مذهب امامیه و شافعیه بپردازد. و به این سوال پاسخ دهد که لباس در عبادات از دیدگاه امامیه و شافعیه دارای چه احکامی است؟ گفتنی است مراد از عبادات نماز و حج است.

۱- احکام لباس در نماز از دیدگاه امامیه و شافعیه

به اجماع فقهای امامیه (شهیداول، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۵) واجب است لباس نمازگزار به اندازه‌ای

باشد که عورت وی را هنگام نماز بیوشاند. (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۵۷؛ شیخ طوسی،

۱۳۸۷، ص ۲۰۹) بنابراین مقداری از لباس که در نماز باید باشد به مقداری است که بتوان با آن عورت را پوشاند.

مراد از عورت در کلمات فقها قُبُل و ذُبُر است. (یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۴۹) البته عورت در زن در دو وضعیت نماز و مواجهه با نامحرم تعریفی دیگر نیز دارد که عبارت است از همه اندام زن جز صورت، مچ دست تا سر انگشتان و مچ پا تا سر انگشتان. (همان، ص ۵۵۱؛ شهیداول، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۸) هر چند برخی پوشاندن کف پاها در نماز را واجب می دانند. (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۲۴) بر کنیز و دختر بچه پوشاندن سر واجب نیست. (شهیداول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۴۷) ظاهراً در نماز میّت پوشاندن عورت واجب نیست اما از باب احتیاط برخی فتوای به پوشاندن عورت داده اند. کما این که امام خمینی چنین نظری دارد. (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۵۷) برای مرد پوشاندن عورت از طرف پایین واجب نیست، اما اگر لب پشت بام یا روی چیز شبکه مانندی بایستد و به گونه ای که اگر ناظری باشد از پایین عورت او را ببیند (یعنی وضعیت پایین طوری است که احتمال عقلانی رفت و آمد در آن جا هست) در چنین وضعیتی پوشاندن عورت از طرف پایین هم بنابر احتیاط بلکه بنا بر اقوا واجب است. هر چند که فعلاً در آن جا ناظری نباشد. (همان)

به اجماع فقهای شافعی، پوشاندن عورت هنگام نماز گزاردن، در هر وضعیتی، چه شخصی فرد نمازگزار را ببیند یا نبیند، واجب و از شرط نماز است. (جوینی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۴۲۱؛ نووی، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۵؛ شیخ الاسلام، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۰) یکی از ادله وجوب ستر روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده است: «فان انكشف شی من العورة مع القدرة لم تصح صلاته». (نووی، همان) فقهای این مذهب نیز پوشاندن همه بدن برای زنان بجز صورت و کف دست را واجب می دانند. (جوینی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۴۲۱)

بنابر نظر این مذهب عورت مرد بین ناف و زانو است و عورت باید حتی در خلوت و تاریکی هم

با لباس پاک پوشانده شود. (نووی، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۷؛ شیخ الاسلام، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۰) اما عورت زن تمام بدن وی بجز صورت و کف دست است. (نووی، همان)

از دیدگاه شافعیه، اگر شخص قدرت ستر عورت نداشته باشد باید نماز را برهنه بخواند (مجوز ترک

نماز نیست) و لازم نیست که بعداً آن را قضا کند، چون ناتوانی از ستر عورت یک عذر عام است. شرط ستر عورت این است که مانع دیدن رنگ پوست بدن باشد، پس لباس و پوششی نازک که عورت را نمی پوشاند و مانع دیدن آن نمی شود کافی نیست و ستر عورت به حساب نمی آید، اگر کسی چیزی برای ستر عورت نیافت گل مالیدن به عورت کفایت می کند. (عاشور، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴)

ستر عورت از بالا و اطراف اندام واجب است و نباید دیده شود، هرگاه از بالا یا کناره ها و اطراف در رکوع و سجود عورت دیده شود درست نیست و باید لباس را بدوزد یا بر آن چیزی ببندد. (همان)

مکروه است که زن نقاب بر چهره نماز بخواند مگر اینکه در مسجد باشد و آنجا بیگانگانی باشند که از نگاه کردن به او پرهیز نکنند و از خوف فتنه و آشوب داشته باشد که در این صورت بر چهره نقاب زند و حرام است که آن را بردارد. (همان، ص ۱۲۵)

فقه‌های مذاهب شریعی را برای لباس نمازگزار بیان کرده اند که باید لباس دارای این شرایط باشد تا نماز صحیح باشد که این شروط عبارت است از:

۱- پاک بودن لباس نمازگزار

به اتفاق فقه‌های امامیه لباس نمازگزار باید حین نماز نجس نبوده و پاک باشد. حال اگر کسی از روی علم و آگاهی با لباس نجس نماز بخواند نمازش باطل است. همچنین اگر مکلف جاهل به حکم بود مثلاً نمی دانست که عرق جنب از حرام نجس است و لباسش با عرق جنب از حرام برخوردار کرد و با همان لباس نماز بخواند، در این صورت نماز وی باطل است. و نیز اگر کسی نمی دانست که پاک بودن لباس از نجاست جزو شرایط نماز است و با لباس نجس نماز بخواند در این صورت هم نماز وی باطل است و باید دوباره بجای آورد. اما اگر مکلف علم به نجس بودن لباس خود ندارد و با همان لباس نماز بخواند و اصلاً متوجه نشود و یا بعد از اتمام نماز بفهمد نماز وی صحیح است. (حائری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۷۳؛ یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱ ص ۹۴)

البته اگر لباسی که به تنهایی نمی توان در آن نماز خواند مثل دستمال عرق گیر، نجس باشد، این نجاست ضرری به نماز نمی زند. (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۶۱)

مقدار بخشیده شده از نجاست لباس در نماز

به اجماع فقه‌های امامیه اگر لباس با خون زخم و دمل یا خون حیوانی که ذبح شده نجس شد و مقدار آن کمتر از یک درهم بود نیاز به تطهیر آن لباس نیست و شخص می تواند با همان لباس نماز بخواند. (علامه، بی تا، ج ۱، ص ۷۳) دلیل بر این روایتی از امام باقر علیه السلام است. (همان)

خون جراحت چه کم باشد یا زیاد، اگر برطرف کردنش در لباس و بدن سختی داشته باشد و وقت تنگ باشد می توان از آن چشم پوشی کرد و نیز خون کمتر از اندازه ی یک درهم از نمازگزار یا غیر او و به شرط آن که در یک نقطه متمرکز باشد و پراکنده نباشد، و نیز از خون حیض و نفاس و استحاضه و از خون حیوان نجس مانند سگ و خوک و نیز از خون مردار نباشد. همچنین اگر کمر بند، کلاه، عرقچین، جوراب، انگشتر، خلخال نجس باشند اهمیتی ندارد.

اگر شیء همراه نمازگزار مانند چاقو و پول نجس باشند ایرادی ندارد. نیز لباس دایه یا پرستار کودک، (چه مادر کودک باشد چه نباشد) قابل چشم پوشی است به شرطی که روزی یک مرتبه بشوید و عوض کردن برای او مشکل باشد. (مغنیه، ۱۳۶۳، ص ۷۹)

هرگاه کسی غیر از لباس نجس دیگری در اختیار ندارد و احتمال نمی دهد تا آخر وقت لباس پاک

پیدا کند باید با همان لباس نماز بخواند. (عاشور، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳)

از دیدگاه شافعی، هرگاه کسی نماز خواند و در لباس وی نجاستی وجود داشت و او در حال نماز خواندن از آن نجاست و ناپاکی اطلاع نداشت بر وی واجب است که بعد از اطلاع آن نماز را قضا کند چون طهارت بدن و لباس و محل واجب است و با جهل و عدم آگاهی ساقط نمی شود. (همان)

اما اگر شخصی از آن ناپاکی در بدن یا لباس یا محل نماز اطلاع داشت سپس آن را فراموش کرد، بر وی واجب است که نماز را قضا کند چون هنگامی که از نجاست اطلاع داشته است در شستن آن کوتاهی کرده است. (عاشور، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳)

اگر کسی فقط لباس نجس داشته باشد و به آب دسترسی نباشد تا آن را بشوید می تواند در آن لباس ناپاک نماز بخواند و بعد قضای آن را بخواند بعضی گفته اند که شخص به صورت برهنه نماز بخواند و قضای آن لازم نیست. اگر شخص در مکان ناپاکی حبس شود و تنها لباسی داشته باشد که برای ستر عورت و فرش کردن بر زمین کافی نباشد، در این صورت از لباس به عنوان فرش بر روی زمین استفاده کند و روی آن برهنه نماز بخواند و بعد هم لازم نیست که قضای آن را به جای آورد. (همان، ص ۱۲۴)

مقدار بخشیده شده از خون در نماز

شافعی نجاست لباس را به خون و غیر خون تقسیم کرده است. قسم اول یعنی اگر نجاست در لباس خون باشد و از حیوانی که دارای نفس سائله است باشد بنابر نظر شافعی چه مقدار آن کم یا زیاد باشد با آن نماز خواندن جایز نیست. البته بنابر قول قدیم وی در صورتی که از کف دست کمتر باشد، بخشیده شده و با آن نماز خواندن جایز است. و بنابر قول سوم از وی آن است که مقدار آن کم باشد یعنی فاحش نباشد. اما اگر خون از حیوانی که دارا نفس سائله نباشد بشرطی که مقدار آن کم باشد در نماز بخشیده شده است، قسم دوم آن که نجاست در لباس از غیر خون باشد در این صورت چه مقدار آن کم و چه زیاد باشد، نماز خواندن با آن جایز نیست. (علامه حلی، بی تا، ج ۱، ص ۷۴)

در اینجا این سوال به ذهن خطور می کند که بنابر نظر این دو مذهب هرگاه شخص فقط یک لباس که آن هم نجس می باشد در اختیار داشته باشد، به طوری بین نماز خواندن با لباس نجس یا برهنه نماز خواندن انتخاب دیگری نداشته باشد، چه کند؟ بسیاری از امامیه گفته اند: با لباس نماز گزارد و اعاده ندارد. شافعیه گفته اند برهنه نماز گزارد زیرا پوشیدن لباس نجس در حال نماز جایز نیست (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۹۸؛ مغنیه، بی تا، ص ۸۱)

۲- مباح بودن لباس نماز گزار

فقهای امامیه معتقدند که لباس نماز گزار باید مباح باشد و اگر عمداً در لباس غصبی نماز بخواند حتی اگر نخ یا دکمه آن غصبی باشد باید نماز را اعاده کند، ولی اگر نمی دانست غصبی است و با آن نماز خواند نمازش صحیح است. (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۶۱) در غصب میان اینکه اصل مال یا منفعت آن غصبی باشد و یا آنکه حق دیگری به آن تعلق گرفته باشد مانند (لباس) رهنی، فرقی نیست. چیزی که خمس یا زکات به آن تعلق گرفته و آنها را نه از آن و نه از مال دیگری پرداخت نموده، اصل و عین آن غصب محسوب می شود. (همان)

اگر کسی با لباسی که حتی نخ آن غصبی است نماز بخواند یا در حال نماز خواندن، چاقو یا پول یا هر چیز دیگری غصبی همراه داشته باشد، نمازش صحیح نیست.

بنابر نظر مذهب شافعی نماز با لباس غصبی مکروه است. (نووی، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۰؛ مردوخ، ۱۳۷۸، ص ۲۶)

۳- لباس از اجزای حیوان حلال گوشت باشد

بنابر نظر امامیه اگر لباس از اجزاء حیوان است باید از حیوان حلال گوشتی باشد که ذبح شرعی شده است. بنابراین، نماز خواندن در پوست حیوانی که ذبح شرعی نشده، جایز نیست و نیز نماز خواندن در سایر اجزایش که دارای جان بوده است صحیح نیست. (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۶۳) ولی با اجزائی که جان نداشته است مانند پشم و مو و کرک و مانند اینها جایز است اما حیوان حرام گوشت نماز با هیچ چیز آن چه اجزای جاندار و چه اجزای بی جان اگر چه ذبح شرعی شده باشد، جایز نیست. (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۶۲)

فقط علمای امامیه معتقدند که نماز در پوست حیوان حرام گوشت اگر چه دباغی شده باشد و همچنین در مو، پشم، پر و کرک آن ها صحیح نیست و همچنین گفته اند اگر در لباس نمازگزار جزئی از حیوان مرده باشد چه حلال گوشت باشد، چه حرام گوشت، چه خون جهنده داشته باشد یا نداشته باشد، دباغی شده باشد یا نه، نمازش باطل است. در حالی که شافعیه چنین نظراتی ندارد (مغنیه، ۱۳۶۳، ص ۸۰).

استفاده از پشم، کرک و موی حیوانات حلال گوشت و هرآنچه جای مو را می گیرد، مانند پر و امثال آن مباح است (الخن، البغا، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۲۶).

۴- جنس لباس

به اجماع مذاهب امامیه و شافعیه پوشیدن لباس های ابریشم و طلا برای مردان حرام و برای زنان جایز است (علامه حلی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۰؛ ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۷۸) و پیامبر (ص) فرمود: «حرم لباس الحریر و الذهب علی ذکور امتی، و أحلّ لآناثهم» (علامه حلی، همان) «لباس حریر و طلا برای مردان اتمم حرام و برای زنان آنان حلال است». (همان)

و به اجماع این دو مذهب نماز خواندن در لباس های ابریشم و طلا برای مردان حرام است. (علامه حلی، همان؛ نووی، بی تا، ج ۳، ص ۱۸۰) و چون پیامبر صلی الله علیه و آله از پوشیدن این لباس ها نهی کرده اند، نهی هم دلالت بر فساد می کند (علامه حلی، همان) لذا نماز خواندن در لباس ابریشم و طلا موجب بطلان نماز می شود. اما فقهای شافعی معتقدند پوشیدن لباس ابریشم و طلا در نماز، نماز را باطل نمی کند و اگر کسی با لباس از جنس ابریشم یا طلا نماز بخواند، نمازش صحیح است هر چند کار حرامی انجام داده است. (نووی، همان) چون نهی به نماز نخورده است؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز خواندن با لباس ابریشمی و طلا را نهی نکرده اند.

البته در صورتی پوشیدن و نماز خواندن در لباس ابریشم حرام است که همه لباس از ابریشم خالص باشد حتی اگر با پنبه یا چیز دیگری که نماز خواندن در آن صحیح است، بافته شده باشد تا زمانی که به آن لباس ابریشمی اطلاق می شود نماز خواندن در آن جایز نیست. و فرقی نمی کند مقدار پنبه مساوی یا بیشتر باشد. (علامه حلی، همان) اما بنابر نظر شافعی ها در صورتی که مقدار ابریشم بکار برده شده در لباس بیشتر باشد پوشیدن این لباس جایز نیست اما در صورتی که مقدار ابریشم مساوی یا کمتر در لباس بکار برده شده، پوشیدن آن لباس جایز است. (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۷۸)

مستحبات لباس نماز گزار

مستحبات لباس در نماز: رداء به خصوص برای امام و به همراه نداشتن رداء برای او مکروه است، تعدد لباس (برای زن نمازگزار در یک لباس مکروه است)، پوشیدن شلوار، جنس لباس از پنبه یا کتان باشد، سفید بودن لباس، پوشیدن انگشتر عقیق، کنیز و دختر نا بالغ سر خود را بیوشاند، پوشیدن پاکیزه ترین لباس ها در نماز، خود را خوشبو نمودن (روایت شده است که نماز بابوی خوش برابر با هفتاد نماز است)، پوشانیدن ما بین زانو و ناف (یزدی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۰)

همچنین برای مردها مستحب است که از ناف تا سر زانو را بیوشانند و اگر لباس آن ها ضخیم و سخت باف باشد و به هنگام نماز رداء بر دوش داشته باشند، فضیلت نماز بیشتر خواهد بود. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۲)

لباس های مکروه در نماز خواندن

مکروه است زن نمازگزار نقاب بر صورت خود داشته باشد. نماز خواندن در لباسی که شخص احتمال می دهد نجس باشد یا غصبی است، مکروه می باشد. نماز خواندن در لباسی که عکس و تمثال دارد مکروه است. نماز خواندن با انگشتری که در آن صورت می باشد کراهت دارد. همچنین نماز خواندن در قبائی که کمرش را بسته اند در غیر جنگ مکروه است. (ذهنی تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۰۱)

نماز خواندن با لباس سیاه رنگ مکروه است البته عمامه و پاپوش می تواند به رنگ سیاه باشد (شعرانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۲)

لباس سیاه حتی برای زنان مگر در چکمه و عبا مکروه است و هر قدر سیاهی آن بیشتر باشد کراهت آن بیشتر است و همچنین مکروه است نماز گزاردن در لباسی که با زعفران رنگ شده باشد، نماز در یک پوشش نازک، کمر بند بستن برای مرد، نقاب روی صورت گذاشتن برای زن در صورتی که مانع قرائت نباشد و گرنه نماز او باطل می شود، زن خلخال با صدا ببوشد، پوشیدن قبا که با دکمه های زیاد یا کمر بند بسته باشند، نماز در حالتی که دکمه ها را باز کرده باشد (یزدی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۹)

یکی از عالمان شافعی می نویسد: مکروه است که زن نقاب بر چهره نماز بخواند مگر اینکه در مسجد باشد و آنجا بیگانگانی باشند که از نگاه کردن به او پرهیز نکنند، که در این صورت بر چهره نقاب زند و حرام است که آن را بردارد (عاشور، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵).

در هنگام نماز خواندن پوشیدن لباسی که نقش بسیار داشته باشد و در جلوی چشمان فرد خودنمایی کند و فرد را به خود مشغول سازد مکروه است، چرا که از عایشه روایت شده است: پیامبر (ص) در لباسی راه راه پشمی نماز می خواند، پس از نماز فرمودند این لباس من را به خود مشغول ساخت، آن را پیش ابوجهم ببرید و لباسی ستبر و ساده ی او را برایم بیاورید (چون ابوجهم این لباس راه راه را به وی هدیه کرده بود و برای دلجویی از او فرمود: لباس ساده ی او را برایم بیاورید) (سابق، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۲۶).

از ابوهریره روایت است که پیامبر (ص) نهی فرمودند که مرد در هنگام نماز خواندن دهان خود را ببوشاند.

پوشیدن قبای بلند بدون اینکه فرد دست در آستین کند مکروه است (همان، ص ۴۲۷).

امام احمد پوشیدن لباس قرمز در نماز را مکروه دانسته است (سابق، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۵۲۰). همچنین استفاده از کلاه حریر مکروه است (شیخ الاسلام کردستان، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۱۰).

۲- احکام لباس در حج

به اتفاق مذاهب اسلامی، احرام، نقطه آغازین اعمال حج و نخستین عمل از اعمال حج و عمره (تمتع و مفرد) می باشد، و رکنی از ارکان حج است که به اتفاق تمام فقهای اسلامی ترک آن جایز نیست. (مدارک الأحکام، عاملی، ج ۷، ص ۱۵۶ و ۲۴۶؛ زحیلی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۹۴) هنگام احرام سه چیز واجب است؛ اول نیت، دوم پوشیدن لباس احرام، و سوم تلبیه گفتن است. (خوانساری، جامع المدارک، ج ۲، ص ۳۷۹) آنچه در این جا به آن پرداخته می شود بحث از لباس احرام است که در ادامه بیان می شود.

به اتفاق مذاهب امامیه و شافعیه پوشیدن لباس احرام و بر تن نکردن لباس دوخته شده بر مردان، از واجبات احرام است. (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۲۷۴؛ امام عمرانی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۱۱۹ و ۱۲۱) و به اتفاق فقهای این دو مذهب لباس احرام مردان ازار و رداء است (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۱۹۹؛ ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۹۶) بنابراین لباس مردان دو تیکه است که یکی را ازار (لنگ) گویند به صورت لنگ دور کمر بسته می شود، و دیگری را مانند عبا بر دوش انداخته می شود که به آن «رداء»

می‌گویند.

لباس احرام مردان نباید از جنس ابریشم باشد و همچنین مانند لباس نمازگزار باید پاک باشد و از پوست حیوان حرام گوشت نباشد، البته عده ای از فقها هم گفته اند که لباس مطلقاً از جنس پوست نباشد. (مغنیه، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵)

محرمات لباس احرام

۱- به اتفاق فقهای امامیه و شافعیه پوشیدن لباس دوخته شده - مثل پیراهن و شلوار - بر مردان حرام است. از امامیه علامه حلی می‌نویسد: «یحرم علی المحرم لبس المخیط من الثیاب إن كان رجلاً» (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۹) و فقهای دیگری مثل صاحب جواهر و ابن‌ادریس حلی و محقق حلی که نظیر همین گفتار را در متون فقهی خود ذکر کرده‌اند. (نجفی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۳۳۵ و ۳۴۰؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۴۲ و ۵۵۴؛ محقق حلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۷۳)

این فقها به روایتی از امام صادق علیه السلام استناد می‌کنند: «لا تلبس و أنت ترید الإحرام ثوباً تزوّه و لا تدرعه، و لا تلبس سراویل إلا أن لا یکون لک إزار، و لا الخفین إلا أن لا یکون نعلان.» (همان) در کتب روایی امامیه روایتی که در آن عنوان مخیط باشد وجود ندارد، بلکه روایات دلالت بر نهی از پوشیدن لباس مخصوص دارند، و تنها دلیل بر حرمت لباس دوخته شده اجماع می‌باشد. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۴۳۵)

از شافعیه ماوردی در الحاوی خود آورده است: «لا یجوز أن یلبس فی بدنه ما یلبس مخیطاً، کالقمیص و الجبّة و القباء.» (ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۹۶) و فقهای دیگری مثل غزالی و نووی و زین‌الدین ملیباری که نظیر همین گفتار را در متون فقهی خود ذکر کرده‌اند. (غزالی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۸۰؛ نووی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۲۴؛ ملیباری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۱)

دلیل فقهای شافعی این روایت است: «حدثنا إسماعیل قال حدثني مالك عن نافع عن عبد الله بن عمر: أن رجلاً قال يا رسول الله ما یلبس المحرم من الثیاب؟ قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «لا تلبسوا القميصَ ولا العمائمَ ولا السروياتِ ولا البرانسَ ولا الخفَافَ إلا أحد لا یجد النعلین فلیلبس خفین ولیقطعهما أسفل من الکعبین ولا تلبسوا من الثیاب شیئاً مسّه الزعفران ولا الوُرسُ» (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۲). «مردی پرسید: ای رسول خدا شخص محرم چه نوع لباسی بپوشد؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: محرم نباید پیراهن، عمامه، شلوار، کلاه، و کفش را بپوشد، مگر کسی که دمپایی در دست ندارد می‌تواند کفش بپوشد و باید دو طرف آنها را تا پایین‌تر از قوزک‌ها ببرد (تا روی پاها دیده شود)، همچنین نباید لباسی که به زعفران و ورس آغشته است، بپوشد.»

استعمال لباس خیاطی شده به هر مقداری ولو به مقدار کم جایز نیست لذا پوشیدن کلاه و کمربند جایز نیست ولی بستن همیانی که پول‌ها در آن است، از دوخته استثناء شده است. (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۰۹)

برای زنان پوشیدن دو جامه احرام لازم نیست. بلکه همان لباسها، لباس احرامشان محسوب می‌شود. (امام خمینی، همان، ص ۲۰۳)

اگر از روی فراموشی و ندانستن لباس دوخته بپوشد، ایرادی ندارد و اگر کسی با هدف رفع گرما و یا سرما لباس دوخته بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد. (مغنیه، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵؛ عاشور، ۱۳۸۴، ص ۳۳۹)

۲- استفاده از لباس معطر بر محرم حرام است. (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۴)، نووی در این باره می‌نویسد: «ویحرم علیه استعمال الطیب فی ثیابه وبدنه لِخَدِيثِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: وَلَا يَلْبَسُ مِنَ الثِّيَابِ مَا مَسَّهُ وَرْسٌ أَوْ زَعْفَرَانٌ.» (نووی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۶۹). در حرمت استفاده از لباس معطر فرقی بین این که لباس با خوشبو کننده معطر شده باشد یا این که با نخ یا چیز معطر دیگری بافته شده باشد، نیست. (همان)

بنابراین: استعمال مواد خوش بوی در لباس و بدن محرم، حرام است. مواد خوش بو چیزی است که هدف از استعمال آن ایجاد بوی خوش باشد مانند گل خوش بوی، یاس و بنفشه. اگر کیسه ای حاوی مشک یا ماده ی خوش بوی دیگر حمل کند به شرط آن که در کیسه بسته باشد همراه داشتن آن کیسه بر او حرام نیست چه آن را ببوید چه نبوید. (شافعی این را به صراحت گفته است) (عاشور، ۱۳۸۴، ص ۳۳۰)

۳- بر زنان پوشیدن دستکش جایز نیست و حرام است علامه حلی می‌نویسد: «لا یجوز للمرأة لبس القفازین» (علامه حلی،

بی‌تا، ج ۷، ص ۳۰۲) بدلیل روایتی که از امام باقر علیه السلام وارد شده است. (همان).
اما شافعی‌ها معتقدند پوشیدن دست کش بر مردان حرام است اما در حرمت پوشیدن دستکش بر زنان اختلاف دارند نووی می‌نویسد: «يَحْرُمُ عَلَى الرَّجُلِ لُبْسُ الْقَفَّازَيْنِ بِلَا خِلَافٍ وَفِي الْمَرْأَةِ خِلَافٌ» (نووی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۶۹) ... «اما بنا بر قول اصح بر زنان نیز پوشیدن دستکش حرام است: «أَنَّ الْأَصْحَّ عِنْدَنَا تَحْرِيمُ لُبْسِ الْقَفَّازَيْنِ عَلَى الْمَرْأَةِ» (همان).

۴- به اتفاق مذاهب امامیه و شافعیه پوشاندن سر بر شخص محرم (مرد) جایز نمی‌باشد. (نجفی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۳۸۲؛ غزالی، ۱۴۱۷، ص ۱۲۹) و بر زنان پوشاندن صورت حرام است. (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۲) دلیل این امر وجود روایاتی در این باره است از جمله: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِحْرَامُ الْمَرْأَةِ فِي وَجْهَيْهَا، وَإِحْرَامُ الرَّجُلِ فِي رَأْسِهِ». از منطوق و مفهوم این روایت سه حکم برای محرم قابل استفاده است: از منطوق آن دو حکم: اول اینکه بر زنان پوشاندن صورت حرام است، دوم آنکه بر مردان پوشاندن سر حرام می‌باشد. و از مفهوم آن یک حکم قابل استفاده است و آن حرمت پوشاندن صورت بر مردان است. و اما بر زنان پوشاندن سر حرام نیست چرا که پوشاندن مو سر بر زنان واجب است. (نجفی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۳۸۲)

برای مرد محرم جایز است که ازار را گره زده و آن را با نخ ببندد همچنین می‌تواند در ازار جایی مانند جای دکمه قرار دهد و نخ را از آن بگذراند و آن را گره زند، برخلاف رداء که جایز نیست آن را گره زند یا گوشه‌ای از آن را با گوشه‌ای دیگر با نخ ببندد. درباره زن، چهره و صورت او حکم سر مرد را دارد و باید تمام سر و بدنش را با لباس دوخته بپوشاند و او می‌تواند چهره‌اش را نیز با پارچه‌ای یا خرقة‌ای بپوشاند مشروط بر اینکه آن پارچه یا خرقة با چهره‌اش تماس نداشته باشد و بدان متصل نباشد، چه به این کار نیاز داشته باشد برای محافظت از سرما، گرما یا از ترس فتنه و امثال آن، و چه احتیاج و نیاز نداشته باشد. (عاشور، ۱۳۸۴، ص ۳۳۰)

۵- به اتفاق این دو مذهب محرم باید نعلین بپوشد و پوشیدن کفشی که تمام روی پا را بپوشاند، جایز نیست مگر در حال ضرورت که پوشیدن کفش جایز است. در اینصورت پشت کفش را تا دوقوزک پا ببرد و به پا کند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ماوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۹۶)

مستند فقهای امامیه روایتی از امام صادق علیه السلام است: «ولاتلبس... ولا الخفين إلا أن لا يكون نعلان». (علامه حلی، منتهی المطلب، ۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۹) و شافعیه به این روایت استناد می‌کنند: «... ولا الخفاف إلا أحد لا يجد النعلين فليلبس خفين وليقطعهما أسفل من الكعبين» (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۲)

مستحبات لباس احرام

مستحب است لباس احرام از جنس پنبه سفید باشد و جایز است محرم بیش از دو جامه بر تن کند به شرطی که دوخته نباشد چنانکه بر او جایز است که احرام را عوض کند، ولی بهتر است که با همان دو جامه ی احرام، طواف کند. (مغنیه، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵ و ص ۱۶۶)

مکروهات لباس محرم

محرم شدن در چند لباس مکروه است: ۱- لباس های سیاه، ۲- لباس های قرمز و مشابه آن، ۳- لباس های چرکین، ۴- لباس هایی که شامل رنگ های مختلف باشند. (ذهنی تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۲۹) برای شخص ناسک مکروه است که قبل از طواف حج، لباس دوخته شده به تن نماید. همچنین پوشاندن سر و استعمال بوی خوش نیز تا زمانی که طواف النساء را انجام نداده کراهت دارد. (همان، ص ۳۷۳)

نتیجه

با توجه به مطالبی که بیان شد به این نتیجه می‌رسیم که امامیه و شافعیه درباره‌ی احکام لباس در عبادات اختلاف زیادی با هم ندارند و می‌توان گفت هر آنچه در این مورد از دیدگاه امامیه کفایت می‌کند برای شافعیه هم کافی است. در واقع بسیاری موارد احکام لباس در عبادات نماز و حج، فقهای امامیه و شافعیه اتفاق نظر دارند.

مذاهب امامیه و شافعیه اتفاق نظر دارند که زن و مرد باید عورت خود را در حال نماز بپوشانند همان طور که از بیگانه در غیر نماز می‌پوشانند. پوشاندن عورت در نماز در هر حالی چه کسی وی را ببیند یا نبیند واجب است.

و باید لباس نمازگزار باید پاک و مباح باشد و از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد.

این دو مذهب در لباس احرام نیز اتفاق دارند از نظر هر دو مذهب لباس احرام مردان دوتیکه است که عبارت است از «إزار و رداء»، و لباس مردان نباید خیاطی شده باشد. اما زنان در همان لباس های خود می‌توانند احرام ببندند. از نظر هر دو مذهب پوشیدن دستکش بر زنان حرام است. و محرم باید بجای کفش نعلین بپوشد. و استفاده از لباس های معطر از منظر هر دو مذهب بر محرم حرام است...

منابع

- ۱- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۵ ه ق)، مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسیله- دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
- ۲- ذهنی تهرانی، محمدجواد، (۱۳۷۳ ش)، عناوین الاحکام، ترجمه و شرح متن لمعه، قم، کتابفروشی وجدانی.
- ۳- خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵ ه ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران.
- ۴- شیخ الاسلام کردستان، سید محمد، (۱۳۷۱ ش)، راهنمای مذهب شافعی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۵- طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن، (۱۳۸۷ ه ق)، - مترجم: خراسانی، محمد واعظ زاده، الجمل و العقود فی العبادات - موسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد - ایران.
- ۶- شعرانی، ابوالحسن، (۱۴۱۹ ه ق)، تبصرة المتعلمین فی احکام الدین - ترجمه و شرح، منشورات اسلامیة، تهران - ایران
- ۷- قمی عباس؛ (بی تا) غایه القصوی فی ترجمه عروه الوثقی، المكتبة المرتضویه لاحیاء الانار الجعفریه، تهران.
- ۸- عاشور، احمد عیسی، (۱۳۸۴ ش)، فقه اسان در مذهب امام شافعی، مترجم: ابراهیمی محمود، تهران، نشر احسان.
- ۹- سید سابق، (۱۳۸۷ ش)، فقه السنه، مترجم: ابراهیمی محمود، مردم سالاری، تهران.
- ۱۰- غزالی، أبو حامد محمد بن محمد، (۱۴۱۷ ه ق)، المحقق: محمود ابراهیم، محمد تامر، احمد، محمد، الوسیط فی المذهب، دار السلام - القاهرة.
- ۱۱- مغنیه، محمدجواد، (۱۳۶۳ ش)، فقه تطبیقی مذاهب پنجگانه جعفری حنفی مالکی شافعی حنبلی، ترجمه: پورجوادی، کاظم، بنیاد علوم اسلام، تهران.
- ۱۲- الخن، مصطفی، البغا، مصطفی، الشریجی، علی، (۱۳۸۴ ش)، فقه منهجی در مذهب امام شافعی، مترجمان: حسامی، محمد عزیز، پارسا، فرزاد، قادری، فرید، انتشارات کردستان، سنندج.
- ۱۳- مردوخ، محمد، (۱۳۷۸ ش)، فقه محمدی، سازمان انتشارات گفتمان، تهران.

- ۱۴- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ه ق)، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
- ۱۵- حلی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ ه ق)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
- ۱۶- ماوردی، أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبيب البصرى البغدادی، (۱۴۱۹ ه ق)، المحقق: محمد معوض، أحمد عبد الموجود، الشيخ علی، الشيخ عادل، الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی وهو شرح مختصر المزنی، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان.
- ۱۷- الزحيلي محمد، (۱۴۲۸ ه ق)، المعتمد فی الفقه الشافعی، دارالقلم، دمشق-سورية .
- ۱۸ - عاملی، محمد بن علی موسوی، (۱۴۱۱ ه ق)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت - لبنان.
- ۱۹- العمرانی،ابی الحسين یحیی بن أبی الخیر سالم الشافعی الیمنی، (۱۴۲۱ ه ق)، البیان فی مذهب الإمام الشافعی، دار المنهاج، جدة-السعودية .
- ۲۰- محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۱۲ ه ق)، نکت النهایة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
- ۲۱- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۲۰ ه ق)، تحرير الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحديثة)، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران.
- ۲۲- الملیباری زین الدین بن عبد العزیز(بی تا)، فتح المعین بشرح قره العین، دار الفکر، بیروت.
- ۲۳- بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۰۵ ه ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
- ۲۴- وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية (من ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ)، الموسوعة الفقهیة الكويتیة، دارالسلاسل - الكويت،
- ۲۵- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۲ ه ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد - ایران.
- ۲۶- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷ ه ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
- ۲۷- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ ه ق)، ذکرى الشیعة فی أحكام الشریعة، ۴ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران.
- ۲۸- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، (۱۴۰۹ ه ق)، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت - لبنان.
- ۲۹- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، (بی تا) ریاض المسائل (ط - القديمة)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران.
- ۳۰- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشّی - کلانتر)، کتابفروشی داوری، قم - ایران.
- ۳۱- نووی، أبوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف (بی تا)، المجموع شرح المذهب (مع تکمله السبکی و المطبعی)، دارالفکر، بیروت.

٣٢- الجوينى، أبو المعالى، عبد الملك بن عبد الله بن يوسف بن محمد ركن الدين، الملقب بإمام الحرمين (١٤٢٨هـ-٢٠٠٧م)،
نهاية المطلب فى دراية المذهب، دار المنهاج، (بى جا)

٣٣- حلى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، تذكرة الفقهاء (ط - الحديثة)، ١٤ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام،
قم - ايران،